

خلاف نظریه‌ی تفکیک قوا است و پارلمان خود باید ناظر خود باشد.

تأملی اجمالی در ادله‌ی مذکور و البته توجه به برخی ابهامات موجود در مبانی نظری تأیید اعتبارنامه‌ی نمایندگان پارلمان، سؤالات اساسی را در خصوص چرایی لزوم تأسیس چنین نهادی به وجود می‌آورد:

۱- استدلال به نظارت مردمی از سوی منتخبین آن‌ها بر پارلمان اگرچه در ظاهر جذاب به نظر می‌رسد، اما نیک روشن است که فقط در حد یک شعار - و نه بیشتر - باقی می‌ماند و با واقعیت‌های موجود در نظام‌های سیاسی مختلف دنیا اندک سنخیتی ندارد، زیرا نمایندگانی که از حوزه‌های انتخابیه‌ی مختلف به پارلمان راه می‌یابند، نمایندگان احزاب و جریان‌های سیاسی هستند. سپردن چنین اموری با ماهیت قضاوت‌گونه - که مقتضای آن رعایت عدالت و تمامی اصول حاکم بر امور قضایی است - به یک نهاد کاملاً سیاسی چه منطقی خواهد داشت؟ آن هم بلافاصله پس از پایان رقابت‌های انتخاباتی و احتمالاً ایجاد تنش‌های سیاسی. آیا پیش‌بینی چنین نهادی خود موجب ایجاد یک رقابت منفی در جهت حذف افراد مخالف نخواهد بود؟

۲- اگر این موضوع را در فضای رقابت‌های حزبی رایج در اقصی نقاط دنیا تحلیل نماییم، اشکال پیش‌گفته بسیار جدی‌تر و خطرناک‌تر می‌نمایند. چنان‌که پیش‌بینی این صلاحیت برای منتخبین، می‌تواند به عاملی برای حذف احزاب اقلیت و سران مؤثر این احزاب باشد. لئون دوگی با اشاره به جدی بودن این آسیب، بی‌طرفی نمایندگان پارلمان را منتفی دانسته و احتمال وجود روحیه‌ی انتقام‌جویانه در این سازوکار را بسیار قوی توصیف می‌کند. لازم به یادآوری است پارلمان قوه‌ی عاقله‌ی نظام‌های سیاسی و نهادی برای تضارب آرا است که در حالت مطلوب باید با حضور افراد با سلیقه‌ی گوناگون شکل بگیرد، بر خلاف قوه‌ی مجریه که طراحی آن به شکلی است که هماهنگی و اتفاق نظر میان اعضای آن به عنوان یک مطلوب پی‌جویی می‌شود تا در راستای

پیش‌برد اهداف و برنامه‌ها مؤثر افتد.

۳- تبدیل «حقانیت محلی» به «حقانیت ملی» نیز نمی‌تواند به عنوان کارکرد روش سیاسی مقبول باشد زیرا اولاً در صورت عدم تأیید اعتبارنامه از سوی نمایندگان مجلس، حقانیت محلی نادیده گرفته می‌شود و دلیلی بر بی‌توجهی به حقانیت محلی وجود ندارد. ثانیاً نمایندگانی که خود هنوز اعتبارنامه‌ی نمایندگی را دریافت ننموده‌اند، چگونه می‌توانند به اعتبارنامه‌ی دیگران رسیدگی کنند؟ نسبت به این سازوکار شبهه‌ی دور مطرح خواهد بود. ثالثاً ملازمه‌ای میان مسئولیت و صلاحیت نماینده در عموم مسایل کشور و سازوکار تأیید اعتبارنامه از سوی نمایندگان مجلس وجود ندارد. توضیح اینکه هر نماینده، منتخب بخشی از یک ملت است که موظف است در عموم مسایل کشور از آن‌ها نمایندگی نماید. همین صلاحیت در عموم مسایل کشور نیز باعث می‌شود در مقابل عموم ملت مسئول باشد تا در اظهار نظر و تصمیم‌گیری با لحاظ همه‌ی جوانب فقط به منافع محلی نیاندیشد و مصالح ملی را مطرح نظر قرار دهد. اساساً نیاز به چنین سازوکاری محل ابهام و اشکال است.

۴- مغایرت روش‌های جایگزین روش سیاسی با نظریه‌ی تفکیک قوا نیز نمی‌تواند محل توجه

**۹۹ اولین اشکالی که در خصوص نظارت مضاعف به وجود خواهد آمد، فرض تعارض میان دو نهاد ناظر است. قانون‌گذار در مقام رفع تعارض میان این دو نهاد در تبصره‌ی ۱ از ماده ۲۸ قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس شورای اسلامی چنین پیش‌بینی نموده است: «شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا حادث شدن آن بعد از اعلام صحت انتخابات را احرار کند.»**

باشد، چون اولاً تفکیک قوا به خودی خود شیوه‌ای کارکردگرا در راستای دستیابی به حکمرانی خوب است و نمی‌تواند یک مبنای غیرقابل عدول باشد. ثانیاً اشکال مطرح شده گویی وجود نهادهای فراقوه‌ای در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا را از اساس منکر شده است. حال آن‌که وجود نهادهای فراقوه‌ای مانند شورای قانون اساسی فرانسه واقعیتی غیرقابل انکار است که می‌تواند اشکال پیش‌گفته را از لحاظ موضوعی منتهی نماید.

۵- آفات واگذاری یک امر کاملاً حقوقی به یک نهاد کاملاً سیاسی، به اندازه‌ای است که می‌تواند در یک بند مستقل تبیین شود. فارغ از امکان دخیل‌بودن جهت‌گیری‌های سیاسی در این موضوع، عدم آشنایی منتخبین، با قواعد و اصول حقوقی می‌تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. عدم رعایت موازین حقوقی در مرحله‌ی جمع‌آوری ادله، عدم توجه به لزوم حفظ آبروی افراد پیش از اثبات جرم و مانند اینها از مصادیق این موضوع هستند.

با این حال قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۹۳ به تصویب اعتبارنامه نمایندگان مجلس اشاره نموده است: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان» و در همین راستا مواد ۲۷ الی ۳۷ قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس شورای اسلامی به این موضوع پرداخته است. بر این اساس نمایندگان از طریق قرعه‌کشی و در ۱۵ شعبه تقسیم‌بندی می‌شوند و اعتبارنامه‌ها به ترتیب حروف الفبا بین شعب توزیع می‌شود تا مورد بررسی قرار گیرد. گزارش شعب در خصوص تأیید یا عدم تأیید اعتبارنامه‌ها در مجلس قرائت می‌شود؛ اگر گزارش مبنی بر رد اعتبارنامه باشد و یا معترضین همچنان بر اعتراض خود باقی باشند، اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق ارجاع شده و در غیر این صورت اعتبارنامه تصویب می‌شود. کمیسیون تحقیق دلایل و مستندات کتبی شعب و معترضین، توضیحات شفاهی معترضین و دفاعیات نمایندگان را بررسی نموده و نتایج آن به مجلس گزارش می‌نماید. اظهار نظر کمیسیون